

## تحلیلی بر مبانی الاهیاتی مهدویت در اندیشه آیت الله صافی گلپایگانی<sup>۱</sup>

محمدعلی محیطی اردکان<sup>۲</sup>

ملیحه شبخی زاده<sup>۳</sup>

### چکیده

مقصود تمام ادیان آسمانی هدایت انسان هاست و سلسله انبیا و اوصیای الهی در پی سعادت بشر بوده‌اند. جریان هدایت در دین مقدس اسلام، هیچ‌گاه از حرکت نایستاده و مهدویت ادامه جریان رسالت و امامت در مسیر هدایت بشریت است. آموزه مهدویت، بر مجموعه‌ای از مبانی فلسفی، از جمله مؤلفه‌های الاهیاتی استوار است؛ یعنی آموزه‌هایی که ذات، صفات و افعال الهی را حکایت می‌کنند. بررسی مبانی مزبور در حوزه مهدویت، به تقویت باور به این آموزه دینی و در نتیجه به تأثیرگذاری مضاعف آن در زندگی عملی بشر می‌انجامد. این نوشتار می‌کوشد مبانی الاهیاتی مهدویت را از منظر اندیشمند معاصر، آیت الله صافی گلپایگانی با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی-تحلیلی استخراج و تبیین کند. نتایج بررسی‌ها حاکی از آن است که در منظومه فکری آیت الله صافی گلپایگانی، مهم‌ترین مبانی الاهیاتی مهدویت بدین شرح است: مراتب توحید، شامل توحید ذاتی، توحید افعالی، توحید صفاتی (شامل مالکیت، قدرت، عدل، ربوبیت، اراده و حکمت)؛ کمال مطلق الهی، جریان قضا و قدر در عالم، وحدت نظام عالم، و هدف بودن انسان کامل در آفرینش الهی. به نظر می‌رسد می‌توان همه مبانی پیش‌گفته را به یک مبنا، یعنی توحید بازگردانده، آن را محور اصلی اندیشه مهدویت و انتظار معرفی کرد.

**واژگان کلیدی:** مهدویت، انتظار، منجی موعود، مبانی الاهیاتی، توحید، آیت الله صافی گلپایگانی.

۱. این مقاله به همایش بین المللی مهدویت و انتظار در اندیشه حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی ارائه و طبق تفاهم نامه بین دفتر فصلنامه انتظار موعود با پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی چاپ شده است.

۲. عضو هیئت علمی گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (نویسنده مسئول) hekmatquestion@gmail.ir

۳. طلبه سطح چهار گرایش علوم و معارف قرآنی مؤسسه آموزش عالی حضرت زهرا (ع) میبید. mj90256@gmail.com

## مقدمه

باور به مهدویت، در ادیان و مکاتب گوناگون الهی و حتی بشری، گستره قابل توجهی دارد. پرداختن به مبانی مهدویت، نمایاندن ریشه‌های تنومند اعتقاد به ظهور موعود منجی در افکار عموم حقیقت‌جویان است. این آموزه اسلامی، دارای مبانی فلسفی مستحکمی است که آن‌ها را می‌توان در حوزه‌هایی مانند معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و فلسفه اخلاق دنبال کرد. ضرورت دارد با پرداختن به مبانی مهدویت، به تقویت و ترویج این باور بر اساس مبانی فلسفی متقن اهتمام ورزید و افزون بر این، ثمرات عملی باور به مهدویت را دست یافتنی کرد. آیت‌الله شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی از اندیشمندان معاصر شیعی، پژوهش‌های ارزنده‌ای را در این حوزه سامان داده است. از جمله تالیفات ایشان می‌توان به «تجلی توحید در نظام امامت»، «ولایت تکوینی و ولایت تشریحی»، «اصالت مهدویت»، «نظام امامت و رهبری» و «وابستگی جهان به امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ السَّلَامِ» اشاره کرد. تحقیق حاضر در صدد است مبانی الاهیاتی مهدویت را در اندیشه ایشان تبیین و تحلیل کند. مشخص شدن رابطه الاهیات و اندیشه مهدویت و انتظار از آثار این بحث است.

هرچند آثاری در زمینه مهدویت و مبانی آن تالیف شده است؛ این موضوع با قید مبانی الاهیاتی و از منظر آیت‌الله صافی تاکنون بحث نشده است و پیشینه خاص ندارد. استخراج مبانی الاهیاتی مهدویت در گام نخست، و پالایش آن‌ها به منظور دستیابی به مبانی قریب الاهیاتی در این حوزه معرفتی در گام دوم، و تبیین ارتباط مبنا و بنا با تأکید بر اندیشه‌های آیت‌الله صافی در گام سوم؛ این پژوهش را ممتاز کرده است.

## مفهوم‌شناسی

### الف) مهدویت

«مهدویت» به لحاظ لغوی، متشکل از یای نسبت و تایی تأنیث است که وصف برای موصوف محذوف است؛ مثل الصحیفة المهدویة، العقیدة المهدویة و النظریة المهدویة (الهی نژاد، ۱۳۹۸: ص ۲۷). معنای اصطلاحی مهدویت، باور به منتهی شدن سیر جوامع جهان به سوی جامعه



واحد با حکومت حق و رهبری یک ابرمرد الاهی، یعنی همان موعود ادیان و دوازدهمین وصی پیغمبر آخرالزمان است (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲: ص ۶۴۸). منظور از مهدویت در این نوشتار، همین معنای اصطلاحی است.

### ب) مبانی

«مبانی» جمع مبنا به معنای پایه، پی‌نهاد، بنیاد و زیرساخت است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ج ۵) و در اصطلاح به معنای گزاره‌های کلی و اخباری ناظر به حقایق تکوین است که باورهای دینی، فلسفی یا علمی را شامل می‌شود.

### ج) مبانی الاهیاتی مهدویت

منظور از «مبانی الاهیاتی»، باورهای بنیادین حوزه خدانشناسی در نظام توحیدی است. بنابراین، در این تحقیق، تبیین خواهد شد که باور به مهدویت بر مبنای کدام باورهای فلسفی بالمعنی‌الاصح در اسلام استوار است. مهم‌ترین مبانی الاهیاتی مهدویت در اندیشه آیت‌الله صافی بدین شرح است: مراتب توحید، کمال مطلق الاهی، جریان قضا و قدر در عالم، وحدت نظام عالم و هدف بودن انسان کامل در آفرینش الاهی. بدین‌سان می‌توان مبانی الاهیاتی مهدویت را با در نظر گرفتن سه مقام ذات، صفات و افعال الاهی به بحث گذاشت و تأثیر آن‌ها را در این آموزه دینی نشان داد. به منظور ساماندهی بحث، با در نظر داشتن این سه مقام، نزدیک‌ترین مبانی الاهیاتی مهدویت در هر مقام را استخراج و بر اساس ترتیب منطقی تبیین می‌کنیم. بحث را با مراتب توحید و پایه بودن آن برای مهدویت از منظر آیت‌الله صافی شروع می‌کنیم:

#### ۱. مراتب توحید

مراتب توحید، با توجه به دسته‌بندی توحید نظری در سه عنوان «توحید ذاتی»، «توحید افعالی» و «توحید صفاتی» توضیح داده می‌شود.



## ۱-۱. توحید ذاتی

«توحید ذاتی» یعنی اولاً، ذات خداوند متعال یکتاست؛ یعنی شبیه و شریکی در ذات ندارد؛ ثانیاً، بسیط است؛ یعنی اجزا و ترکیبی در ذاتش وجود ندارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۸: ج ۱، ص ۲۶۸ و صدرالدین شیرازی، بی تا: ج ۶، ص ۱۰۰-۱۰۵). ذات خدا یکتاست، یعنی موجودی جز «الله» از خود، وجود ندارد. به تعبیر فلسفی «توحید در وجوب وجود»؛ یعنی تنها الله تبارک و تعالی است که وجودش ذاتاً ضروری است و وجود سایر موجودات از خداست (مصباح یزدی، ص ۵۸). وقتی وجود و هستی موجودات به موجودی یگانه و بی نیاز وابسته باشد، چگونه می توان حق دخالت در امور دیگران و حتی امور مربوط به خودش را به او داد. موجود وابسته، در تمام شئون زندگی به موجود یگانه بی نیاز وابسته است. از جمله این امور، حق تعیین ولی و حاکمی است که اوامر الهی را در جهان تکوین و تشریح اجرا کند. بدیهی است حق انتخاب ولی معصومی که به اذن الهی، تدبیر امور تکوینی و تشریحی را بر عهده دارد به خداوند یگانه منحصر است. باور به مهدویت بر این مبنا است که تنها خداوند یگانه، شایستگی نصب امام معصوم بر تدبیر جهانی امور بشر را دارد.

آیت الله صافی، «توحید» را محور اصلی تمام مسایل اعتقادی، سیاسی و انتظامی اسلام را می داند. خداوند یگانه، خالق، رازق، حاکم، مالک کل و بی نیاز از کل است و بنابراین، حق ولایت مطلق بر تمام امور، مختص اوست. هر حاکمیت، ولایت و مالکیتی که به اذن او نباشد، استعلا و اظهار شرک و تصرف در شئون خداست (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳: ص ۸۶).

## ۲-۱. توحید افعالی

«توحید افعالی» بدان معناست که خدا در انجام دادن کارهایش به کمک و یاری نیازی ندارد و در انجام دادن هر کاری، مستقل و یگانه است. البته این، به معنای نفی تأثیر واسطه ها نیست، بلکه به معنای نفی تأثیر استقلالی آنها است. به عبارت دیگر، تمام واسطه ها در اصل وجود و تأثیرشان، به ذات خداوند وابسته اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۸: ج ۱، ص ۲۷۳). خداوند نصب ائمه و خلفای الهی را به خود نسبت می دهد. انتخاب امام با رای و نظر اشخاص به صورت مستقل و بدون در نظر گرفتن رای و نظر الهی، منافی توحید افعالی است. بنابراین، وضع خلیفه و امام از



طرف دیگران، فعل الاهی نیست، مگر این که این نصب به اذن الاهی باشد که در این صورت، مصداق فعل الاهی خواهد بود. باور به انتصاب حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ، در جهت معرفی اولوالامر به اذن الاهی از طریق پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر مبنای تاثیر اراده و اذن الاهی بر تمام فعل و انفعالات هستی می باشد.

طبق دیدگاه آیت الله صافی با توجه آیات **﴿إِنِّي جَاعِلٌ لِلنَّاسِ إِمَامًا﴾** (بقره: ۱۲۴) و **﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾** (بقره: ۳۰) و **﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ﴾** (ص: ۲۶) و **﴿وَأَجْعَلْنَا لِمَنْ نَشَاءُ إِمَامًا﴾** (فرقان: ۷۴)؛ نصب امام و خلیفه که حداقل اثر آن، وجوب اطاعت اوامر و نواهی اوست؛ فعل خداست. بنابراین، اگر مبنا این باشد که نصب آن از جانب غیر خدا هم صحیح باشد، شرکت با خدا در فعل او صورت می پذیرد و با توحید افعالی منافات دارد؛ زیرا طبق این مبنا، مانند فعلی که از خدا صادر شده، از دیگران نیز صادر می شود (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲: ب: ۲۷).

### ۳-۱. توحید صفاتی

«توحید صفاتی» بدان معناست که صفاتی که به خدای متعال نسبت داده می شود، عین ذات خداوند و عین یکدیگرند و اختلافشان با ذات و با یکدیگر، تنها در مفهوم است (طباطبایی، ۱۳۸۸: ج ۲، ص ۲۳۸). صفاتی که به خدای متعال، نسبت داده می شوند، یا مفاهیمی اند که با توجه به نوعی از کمال، از ذات الاهی انتزاع می شوند و صفات ذاتی اند؛ یا مفاهیمی اند که از نوعی رابطه بین خدای متعال و مخلوقاتش انتزاع می شوند و صفات فعلی اند (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۷۴). در مبحث صفات ذاتی، از رابطه کمال، قدرت و عدل الاهی با مهدویت بحث خواهد شد. در مبحث صفات فعلی، صفات اراده، حکمت و ربوبیت، اعم از ربوبیت تکوینی و تشریحی، به عنوان مبانی مهدویت شایسته طرح هستند.

#### ۱-۳-۱. قدرت الاهی

«قدرت لایتنهای الاهی» مبنایی مستحکم برای باور به مهدویت است؛ چرا که بر اساس این عقیده، خداوند با قدرت ماورایی خود، زمینه ظهور منجی آخرالزمان را در اوج فراگیری ظلم و قدرت استکباری طاغوتیان در زمین فراهم می کند. «قدرت» عبارت است از مبدأیت فاعل مختار



برای کاری که ممکن است از او سر بزند و هر قدر فاعل از لحاظ مرتبه وجودی، کامل تر باشد، دارای قدرت بیش‌تری خواهد بود و طبعاً موجودی که دارای کمال بی‌نهایت باشد قدرتش نامحدود خواهد بود (همان، ص ۷۷). به عبارت دیگر، رشته حوادث در دست توانای اوست. اگر عده‌ای «طوعاً» و از روی اختیار تسلیم امر الاهی هستند، بقیه نیز «کرها» و بنابر اقتضای سیطره و قدرت الاهی، تسلیم او خواهند بود. در نهایت اگر چه به ظاهر وعده تشکیل حکومت الاهی با اختیار و مجاهدت مستضعفان محقق خواهد شد؛ در حقیقت قدرت لایتناهی الاهی در خرد کردن هیمنه پوشالی مستکبران و اجرای اراده او از طریق بندگان صالح متجلی خواهد شد. بنابراین، اگر خداوند می‌فرماید: «خداوند اراده کرده است که حکومت صالحان در زمین تشکیل شود»؛ بنا بر مبنای توحیدی که خداوند را قادر مطلق می‌داند، اقتضای قدرت این است که طبق اراده الاهی حکومت صالحان تشکیل شود. خدای خالق جهانی با میلیاردها کهکشان و منظومه و نیروهایی عجیب در ذرات و اتم‌ها بر هر کار ممکن تواناست و مقدمات و اسباب ظهور ولیّ زمان را فراهم خواهد کرد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱: ص ۱۰).

### ۱-۳-۲. عدل الاهی

«عدل الاهی» اقتضا دارد خداوند موجودات را به گونه‌ای بیافریند که این آفرینش با هدف نهایی آفرینش متناسب باشد. همچنین مقتضای عدل الاهی این است که خداوند هر انسانی را به اندازه استعدادش مورد تکلیف قرار دهد و با توجه به توانایی و تلاش اختیاری وی در مورد او قضاوت کند و پاداش یا کیفر در خور کارهایش به او بدهد (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۱۶۴). اعطای استعداد وجودی انسان‌ها برای رسیدن به کمال و وضع تکالیف و برقراری نظام پاداش و جزا مستلزم آن است که خداوند افراد صالحی را برای راهنمایی مردم در طی مسیر سعادت برگزیند. عدالت الاهی اقتضا می‌کند خداوند پیشوایان معصومی را در طول حیات بشری برگزیند تا نظام متعالی حق در عالم تکوین و تشریح اجرا شود. به عبارتی دیگر، عدم حضور خلفای الاهی در بین مردم، موجب هدر رفتن استعداد کمال در انسان و لغو بودن نظام تکلیف، پاداش و جزاست و این بر خلاف عدالت الاهی است. بنابراین، باور به مهدویت بر عدل الاهی استوار است و موحدان بر اساس اعتقاد به یگانه‌ای عادل که تدبیر امور جهان تحت اراده اوست، ظهور



منجی را باور دارند.

طبق بیانات آیت‌الله صافی بنا بر آیه «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ» (انبیاء: ۷۳) و آیه «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لِمَاصِرًا» (سجده: ۲۴)؛ دلیل عقلی بر امامت امام غایب عَلَيْهِ السَّلَام و وَخَلَّاهُم این است که نصب امام از جانب خدا لطف پروردگار است؛ چرا که در هدایت و تربیت مردم مؤثر می‌باشد و لطف نیز بر خدا واجب است؛ همان گونه که واگذار کردن آن به مردم، یا سکوت در مورد آن، نقض غرض، موجب مفسده و خلاف نظام عدالت خواهد شد. بنابراین، «یا خدا از لطف نسبت به بندگان خود در عصر غیبت دریغ نموده که این خلاف حکمت حق است و یا این که از باب لطف تعیین امام نموده است که در این صورت، او غیر از امام دوازدهم کس دیگری نیست» (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۷: ص ۱۵۳).

### ۱-۳-۳. اراده الاهی

قوانین عالم تکوین و تشریح، طبق اراده و تدبیر الاهی جاری است. به عبارتی، تمام قوانین حاکم بر پدیده‌های طبیعی و سنت‌های الاهی رایج در بین جوامع انسانی و قوانین وضع شده در قالب احکام تشریحی طبق اراده الاهی در جریان است. خداوند اراده خود را بر امامت و خلافت صالحان و مستضعفان در زمین معرفی می‌کند. این اراده، هم در قالب تشریح حکم و تعیین امام در تمام دوران حیات بشر جاری می‌شود و هم در قالب اعطای ولایت تکوینی به امام معصوم جریان دارد. باور به مهدویت بر این مبناست که اراده حاکم بر تمام امور و حوادث، اراده خداوند یگانه مدبر است و او در نظام تشریح و تکوین، ولایت تشریحی و تکوینی خود را به اولیای شایسته خود واگذار کرده است تا آنان واسطه اجرای اراده الاهی در زمین باشند. منتظران ظهور، جریان اراده الاهی را در دو عرصه تکوین و تشریح به سمت حکومت ولی الاهی می‌دانند.

از مطالب آیت‌الله صافی می‌توان این‌گونه برداشت کرد که اعطای ولایت تکوینی یا تشریحی، همان ظهور ولایت مطلقه الاهی ذاتی و فعلی، و استمرار فعلی آن خواهد بود. در واقع اولیای الاهی، عاملان اجرای اراده و مشیت خدا و واسطه‌های اجرای آن هستند. اولیای الاهی اگرچه با ولایتی که در اختیار دارند و به اذن الاهی تصرفاتی انجام می‌دهند؛ در تمام تصرفات خود، به عنوان واسطه اراده الاهی عمل می‌کنند (همان، ۱۳۹۲ الف: ص ۱۰۷).



طبق مطالب آیت‌الله صافی در آیه ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵)؛ خداوند می‌فرماید: زمین را بندگان صالح و شایسته خدا به ارث می‌برند و عاقبت، حق در همه جا حاکم و پیروز می‌شود. این سنت و قانون خدا و خواست اوست که می‌فرماید: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ...﴾ (قصص: ۵). خدا چنین اراده کرده است که قدرت خود را به دست قشر ضعیف به رهبری صاحب عصر آشکار کند و قشر استثمارگر و ظالم را به دست مستضعفان از بین ببرد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱ج: ص ۶۰).

### ۱-۳-۴. حکمت

«حکمت» نوعی ویژگی است که به موجب آن، فاعل مختاری که دارای این ویژگی است، کارهایی را آگاهانه انتخاب می‌کند که با کمالات حقیقی او سازگار است و در نتیجه با بیش‌ترین خیر و کمال همراه باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۹۱ و حلی، ۱۴۱۷: ص ۴۱۵-۴۱۶). تمام افعال الهی هدفمند و بر اساس حکمت است؛ حتی کوچک‌ترین رخدادهای عالم هستی، بر مبنای حکمت رقم می‌خورد. جریان نبوت و نزول کتاب‌های آسمانی نیز برخاسته از حکمت و هدفی متعالی است. هدف از خلقت انسان عبودیت و قرب الهی است. حکمت الهی اقتضا دارد زمینه‌های تحقق این اهداف فراهم شوند. تحقق عبودیت و قرب الهی برای انسان با ارسال فرستادگانی معصوم و همراهی در طریق عبودیت فراهم شده است. قطع این جریان هدایت، خلاف حکمت الهی است. اختصاص حکمت الهی به هدایت، بشر به زمان و افراد خاصی مربوط نیست. بشر در تمام زمان‌ها به برخورداری از هدایت حکیمانه الهی نیازمند است. امامت به عنوان ادامه جریان هدایت بشری، بنابر حکمت بالغه الهی تا آخرالزمان و تاریخ حیات بشر تداوم خواهد داشت. باور به مهدویت بر مبنای حکیمانه بودن افعال الهی است.

طبق دیدگاه آیت‌الله صافی، همان‌گونه که بنابر حکمت الهی، فرستادن پیامبران و نزول کتاب‌های آسمانی واجب است؛ نصب امام و تعیین او نیز لازم می‌باشد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰: ص ۶۳). همچنین خداوند متعال برحسب حکمت، رئانیت و رحمانیت خود، افراد صالحی را بعد از پیامبر تعیین می‌فرماید؛ چرا که امامت و خلافت، مانند نبوت نیست که اگر در دوره‌ای صورت گرفت، در زمان دیگری تجدید آن ضرورت نداشته باشد، بلکه در تمام دوران، به خصوص از





جنبه ولایت بر امور و حکومت از جانب خدا مورد نیاز است و نیاز مردم به آن، به عصر و زمان خاصی محدود نمی‌شود. بنابراین، ولایت و امامت لطف عام است و با توجه به مصلحت عامش مستمر است: «وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»؛ همانا ما برای هدایت این مردم، سخن پیوسته آوردیم تا شاید متذکر شوند» (قصص: ۵۱ و صافی گلیایگانی، ۱۳۹۲: ب: ص ۵۸).

## ۲. ربوبیت تکوینی

تمام موجودات جهان، متناسب با استعدادها و ویژگی‌های خود در حال رشد و تکامل هستند. «ربوبیت تکوینی» گویای آن است که خداوند در جهان تکوین و به واسطه قوانین حاکم بر آن، رشد و تکامل موجودات را تدبیر می‌کند. بنابر آیه «قَالَ رَبِّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه: ۵۰)؛ انسان نیز بنابر نوع آفرینش و استعدادهایش از رشد و کمال ویژه‌ای برخوردار است. انسان‌ها به تنهایی به طی مراحل رشد خود قادر نیستند. امیال و غرائز گوناگون فرصت عملکرد صحیح قوه تعقل را از انسان سلب می‌کند. گذشته از آن، ادراکات حسی و عقلی به درک صحیحی از امور ماورای مادی و غیبی قادر نیست. ربوبیت تکوینی برای انسان در قالب ولایت تکوینی فراهم شده است. ولایت تکوینی موهبتی است که خداوند از طریق انسان‌هایی مهذب و راه‌یافته به بارگاه قرب الاهی برای دیگر افراد بشر فراهم کرده است. ولایت تکوینی شاخه‌ای از ربوبیت تکوینی است که ویژه انسان‌ها است. با توجه به عمومیت آیه تا آخرین لحظات عمر بشر، ولایت تکوینی از طریق اولیای الاهی وجود خواهد داشت. باور به مهدویت بر اساس عقیده به وجود ربوبیت تکوینی برای تمام موجودات و ولایت تکوینی برای نوع بشر استوار است.

از منظر آیت‌الله صافی، اعطای ولایت تکوینی، به معصومان، به صورتی که ظهور ولایت مطلقه الاهی ذاتی و فعلی، و استمرار فعلی آن باشد و تفویض هم قلمداد نشود؛ جایز است و ظهور همان ولایت الاهی خواهد بود. ولایت امام، شعاعی از ربوبیت تکوینی است. بنابراین، انسان‌ها برای رسیدن به کمال تکوینی خود، باید در مسیر تکاملی جریان امامت قرار گیرند تا با بهره‌گیری از وجود ائمه، دستیابی به کمال میسر شود. ائمه معصوم که واسطه‌های الاهی در ربوبیت تشریحی هستند، در بعد تکوینی نیز بر بندگان ولایت دارند و زمینه هدایت انسان‌ها را فراهم می‌کنند. این بعد از ولایت در امام موعود، چه در زمان غیبت و سختی‌های ناشی از آن و چه در عصر ظهور



آشکار است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱ ب: ص ۹۴).

### ۳. ربوبیت تشریحی

انسان به دلیل استعداد‌های خاص و خصوصیات فطری، از جمله قدرت عقل و اختیار علاوه بر «ربوبیت تکوینی» در بعد تشریح نیز از «ربوبیت الاهی» برخوردار می‌شود. در «ربوبیت تشریحی»، پروردگار با ارسال رسل و اولیای الاهی، کتاب‌های آسمانی و تشریح قوانین، زمینه پرورش انسان را فراهم می‌کند. به عبارتی دیگر، مجری قانون، قانون‌گذار و قانون سه اصل ولایت تشریحی است. قانون‌گذار خداوند متعال است که احکام شرعی را بر پیامبران نازل کرده است. مجری قانون، انبیای الاهی هستند و بدین صورت، جریان ربوبیت تشریحی با اجرای قوانین تشریحی به دست انبیا و اوصیای الاهی کامل می‌شود. بعد از انبیا، در صورت عدم نصب افرادی شایسته در منصب عاملان و مجریان قوانین شرعی، ربوبیت تشریحی دچار خلل می‌شود. بنابر عمومیت قاعده لطف در تمام زمان‌ها، ربوبیت تشریحی بعد از انبیا نیز با انتصاب اولیای معصوم ادامه دارد. باور به مهدویت نیز بر مبنای وجود ولی معصوم به منظور اجرای قوانین شرعی در دوره آخرالزمان پابرجاست.

طبق دیدگاه آیت‌الله صافی، قانون‌گذار باید به صورت ذاتی بر همه انسان‌ها ولایت داشته باشد و اختیار انسان، چه تکوینی و چه تشریحی به دست او باشد. چنین کسی، غیر از خداوند متعال نیست که تنها او مالک، صاحب، خالق و رازق همه مخلوقات است و همه تحت ولایت مطلقه او هستند. بنابراین، همه احکام و تکالیف باید به او مستند باشد (همان، ۱۳۹۲ ب: ص ۱۶).

اصل بعدی در ربوبیت تشریحی، مجری قانون است. انبیا با دریافت و ابلاغ احکام الاهی در بین مردم، به اجرای قوانین الاهی نیز مبادرت می‌ورزیدند. بعد از ایشان اوصیای الاهی و ائمه این نقش را ایفا کرده‌اند. تعیین امام و خلیفه برای هر زمان، فقط از جانب خدا صحیح است و امکان ندارد در یک زمان، مردم مشمول این عنایت الاهی بشوند و در زمان دیگر از آن محروم باشند. با توجه به این که امامت و خلافت، لطفی است که در هر زمان مورد نیاز جامعه است و بنابر آیات، این لطف در بعضی زمان‌ها واقع شده است؛ می‌توان نتیجه گرفت که با عموم احتیاج جوامع به آن در تمام زمان‌ها، رحمانیت و ربانیت خداوند متعال در هر زمانی اقتضا دارد امامت



به طور مستمر ادامه داشته باشد (همان، ۱۳۹۱ الف: ص ۱۰۸).

#### ۴. مالکیت

«مالکیت» حقیقی جهان هستی در اختیار خالق و مدبر آن است. تمام مالکیت‌های دیگر، اعتباری و غیرواقعی‌اند. بنابراین، تدبیر امور در دست خالق و مالک حقیقی هستی می‌باشد. هر تدبیر و ولایتی بدون انتساب به مبدا هستی باطل است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ج ۱، ص ۱۰۳-۱۰۴ و صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲ ب: ص ۹۷-۹۸). نصب انبیا به منظور تدبیر امور دین و دنیای مردم در انحصار مالک هستی است؛ اضافه بر این که تدبیر امور در دایره قدرت غیر خدا و برگزیدگان او نمی‌گنجد. بعد از انبیا نیز اعطای ولایت به اولیای معصوم تنها با وضع و اذن الهی صورت می‌گیرد. خالق و مالک حقیقی هستی تا آخرین زمان حضور بشر بر روی زمین، تدبیر و ولایت تکوینی و تشریحی او را به برگزیدگان خود واگذار کرده است. باور به مهدویت بر مبنای این اندیشه است که تنها، مالک حقیقی عالم، حق واگذاری ولایت بر بندگان خود را دارد و این ولایت را بر عهده اولیای معصوم در هر زمان قرار داده است.

طبق دیدگاه آیت‌الله صافی، با توجه به مبانی عقیدتی شیعه که با مکاتب دیگر تفاوت بنیادین دارد؛ انسان مالک خویش و دیگر مخلوقات نیست، بلکه خدا مالک و صاحب اختیار همه است و بر همه امور ولایت دارد. پس، مدیریت حقیقی با اوست؛ زیرا خداوند، آفریننده، روزی دهنده و به مصالح و مفساد آگاه است. به همین دلیل، ولایت هر شخص، حتی برخوردش و تصرف در امور دیگران بدون اذن خداوند اعتبار ندارد و غیر قابل توجیه است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰: ص ۱۸).

در اندیشه آیت‌الله صافی، امامت و رهبری با ابعاد متعددی که دارد، شعاعی از عقیده توحید است و اصالت توحیدی امامت از این‌جا ثابت می‌شود که بر حسب عقیده مبتنی بر توحید، ولایت و مالکیت حقیقی و مطلق، مختص خداست و هیچ‌کس در عرض خدا، بر دیگران و حتی بر نفس خود، ولایت تکوینی و ولایت تشریحی ندارد. بنابراین، هر حکومتی که از جانب خدا و به اذن او نباشد، طاغوت و مداخله در امر و حکومت خداست و پذیرش و فرمان برداری از آن، پذیرش طاغوت است؛ چنان‌که در قرآن آمده است: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ



وَأَجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ (نحل: ۳۶). از آن جا که مفهوم طاغوت عام است، فرمانروایان مستبد و حکومت‌های غیر شرعی را نیز شامل می‌باشد. همچنین، هر ولایتی باید به خدا مستند باشد؛ چون حکومت و ولایت به خدا اختصاص دارد و غیر از خدا، دیگری نمی‌تواند در آن مداخله کند. ولایت و مالکیتی که برای بعضی بندگان به اذن خدا مستقر می‌شود، اعتباری و قراردادی است و حقیقی نیست و قابل زوال و انتقال است؛ ولی ولایت و حکومت الهی حقیقی و ابدی است. ارتباط و تعلق مخلوق به خالق، ولایت و مالکیت حقیقی خالق را اقتضا می‌کند. هویت مخلوق مملوکیت و نیازمندی است. مملوکیت بنده و مالکیت و ولایت خدا بر بندگان قابل سلب نیست؛ در نتیجه تصرف در امور و اعمال ولایت بر دیگران، تصرف در سلطنت الهی و ملک خدایی است که این، بدون اذن الهی بر خلاف توحید در مالکیت است. بر حسب آیات قرآن مجید و احادیث متواتر از شیعه و سنی، نظام امامت و ولایت از مالک حقیقی عالم و از طریق پیامبر اسلام ﷺ به مردم ابلاغ شده و اولی الامر همان دوازده ولی معصوم، به مردم معرفی شده‌اند و نظام امامت تا قیامت مستمر و متصل باقی خواهد ماند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲ ب: ۲۸).

## ۵. کمال مطلق الهی

طبق مبنای توحیدی، خداوند متعال «کمال مطلق» است. به عبارتی، بنا بر کمالات نامتناهی الهی، هرگونه مفهومی که بر کمال دلالت داشته باشد و مستلزم هیچ نقص و محدودیتی نباشد، قابل صدق بر خدای متعال خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۷۳). امامت در هر عصری لطف الهی، برای کمک به نوع بشر در رسیدن به ساحت کمال الهی است. اگر این لطف در حق بشر صورت نگرفته باشد، مستلزم نقص است که با کمال مطلق الهی ناسازگار است. علم، قدرت، رحمت، محبت، احسان و دیگر اوصاف کمال الهی؛ مستلزم این لطف الهی است. بنابراین، باور به مهدویت بر مبنای اعتقاد به موجودی است دارای کمال مطلق که لطف خود را با تعیین امام معصوم تا آخرالزمان در حق انسان‌ها کامل می‌کند.

در اندیشه آیت‌الله صافی، مفهوم اسمای حسناى الهی، مطلق است و به بعد تکوینی منحصر نیست. انحصار آن در بعد تکوینی یا تشریحی غیر از امامت، با عقیده به ثبوت تمام صفات کمالی



و جمالی ذاتی و فعلی خداوند منافات دارد. طبق دلایل عقلی و نقلی، نصب و تعیین امام حق الاهی است. دلیل عقلی این است که مسئله امامت از مهم‌ترین مسائل مربوط به کمال بشر است. کمال لایتناهی و اسمای حسنای الاهی، مانند رب العالمین، لطیف، منعم، حکیم، علیم، رحمان، رحیم، مفضل، رئوف و محسن؛ همه بر این نکته دلالت دارند که این لطف از جانب حق تعالی انجام شده است. خداوندی که نسبت به بندگان خود این همه لطف دارد، چگونه آن‌ها را در چنین امر مهمی که مفاسد بزرگی بر ترک آن مترتب است، یاری نفرماید و به خودشان وا گذارد؟! (صافی گلیپایگانی، ۱۳۹۰: ص ۶۲).

## ۶. جریان قضا و قدر الاهی در عالم

واژه «قدر» به معنای اندازه، و «تقدیر» به معنای سنجش و اندازه‌گیری و چیزی را به اندازه معینی کردن است. واژه «قضا» به معنای یکسره کردن و به انجام رساندن و داوری کردن به کار می‌رود. منظور از «تقدیر الاهی»، این است که خدای متعال برای هر پدیده‌ای اندازه و حدود کمی و کیفی و زمانی و مکانی خاصی قرار داده است که آن پدیده تحت تأثیر علل و عوامل تدریجی، تحقق می‌یابد. منظور از «قضای الاهی» این است که پس از فراهم شدن مقدمات و اسباب و شرایط یک پدیده، آن را به مرحله نهایی و حتمی می‌رساند. گاهی تقدیر و قضای الاهی، به معنای علم خدا به فراهم شدن مقدمات و اسباب و عوامل پیدایش پدیده‌ها و نیز علم به وقوع حتمی آن‌ها به کار می‌رود، و آن را «قضا و قدر علمی» می‌نامند، و گاهی به معنای انتساب سیر تدریجی پدیده‌ها و نیز انتساب تحقق عینی آن‌ها به خدای متعال، استعمال می‌شود که «قضا و قدر عینی» نام می‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۱۵۱ و ۱۵۲). بنابر آیه «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس: ۸۲)؛ تمام امور طبق قضا و قدر خداوند جاری است. قضا و قدر علمی، علم خدا به فراهم شدن مقدمات و اسباب و شرایط پیدایش ظهور است. علم به وقوع حتمی آن را از آیاتی که وعده ظهور را اعلام می‌کنند، می‌توان برداشت کرد. در قضا و قدر عینی، سیر تدریجی پدیده‌ها و تحقق عینی ظهور به خدای متعال نسبت داده شده است. خداوند با عباراتی مانند «وَلَقَدْ كَتَبْنَا...» (انبیاء: ۱۰۵) و «وَوَثَّرِيدٌ...» (قصص: ۵)؛ به نوعی سیر تدریجی پدیده‌ها در گذر عصرها و دوره‌های تاریخ بشر و تحقق عینی امامت و حکومت الاهی بر



زمین را به خود نسبت می‌دهد. باور به مهدویت بر این مبنا است که خداوند مقدر کرده است که در گذر تدریجی پدیده‌ها، اسباب ظهور فراهم آید و حکومت جهانی ولی معصوم محقق شود. از منظر آیت‌الله صافی، مسئله امامت یا به واسطه تقدیرات الهی و اسباب تکوینی است و یا به تعیین و تشریح مستقیم الهی انجام می‌گیرد. به هر حال قضا و قدر حکیمانانه الهی بر همه امور حاکم است (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۷: ص ۶۹-۷۱).

## ۷. وحدت نظام عالم هستی

کشف نظامی واحد و ثابت در بین اجزای به‌ظاهر متکثر هستی، نتیجه باور به توحید در خالقیست است؛ در حالی که در جوامع انسانی، به دلیل تعدد حکومت‌های طاغوتی با مبانی، اهداف، اصول و شیوه‌های گوناگون نوعی تراحم در اهداف و منافع مشاهده می‌شود. این تراحمات و به تبع آن‌ها، درگیری‌ها به دلیل دوری نظام قانون‌گذاری بشر از مبنا و هدف واحد نشأت می‌گیرد. تنها دین و تشریح الهی، دارای مبانی و اصول قانون‌گذاری مبتنی بر طبیعت بشر می‌باشد. نظام قانون‌گذاری دین، نه تنها با فطرت بشری متناسب است، بلکه همسو و منطبق با قوانین عالم تکوین، به تکامل انسان و دیگر موجودات عالم می‌پردازد؛ زیرا شارع، همان خالق جهان است و ولی معصومی که برگزیده خداست، در تحقق و تطبیق قوانین تکوین و تشریح اهتمام دارد. بنابراین، باور به مهدویت بر این مبنا است که عالم هستی در دو بعد تکوین و تشریح دارای نظام واحدی است و منجی موعود در حکومت جهانی خود با حفظ وحدت بین اجزای نظام هستی بهترین و سعادتمندانه‌ترین دوران حکمرانی بشر را رقم خواهد زد.

طبق دیدگاه آیت‌الله صافی همان‌گونه که عالم تکوین دارای نظام و قوانین واحد است، نظام تشریح و قوانین و اداره امور مردم باید طبق نظام تکوین واحد باشد و همان‌گونه که در آن جا غیر از اراده و تقدیر خدا عامل دیگری دخالت ندارد، در محیط اختیار بشر، غیر از برنامه‌های تشریحی الهی نباید برنامه دیگری مطرح شود. تمام حکومت‌ها و ولایت‌ها باید به اذن خدا باشد تا همه در مسیر واحد به سوی هدف واحد و تکاملی حرکت کنند (همان، ۱۳۹۱ الف: ص ۲۳).



## ۸. هدف بودن انسان کامل در آفرینش

هدف از آفرینش همه مخلوقات، آفرینش نوع انسان است که قابلیت وصول به بالاترین درجات کمال را داشته باشد؛ هدفی که در وجود پاک معصومان به صورت کامل محقق شده است (مصباح یزدی، ۱۳۷۰: ج ۲، ص ۴۳۸). هدف غایی آفرینش، تکامل انسان است. از طرفی، معصوم به هدف اصلی آفرینش دست یافته، به عبارت دیگر، می‌توان گفت او هدف اصلی آفرینش بوده است. انسان‌های دیگر نیز تحت نظام ولایت او به کسب کمال و تحقق هدف اصلی از آفرینش خود قادر می‌باشند. بنابراین، بدون حضور ولی معصوم نظام آفرینش لغو و بیهوده خواهد بود. باور به مهدویت، بر مبنای باور به ولایت انسان کاملی است که هدف آفرینش انسان را محقق خواهد کرد و زمینه تکامل دیگر انسان‌ها را فراهم خواهد کرد.

با توجه به دیدگاه آیت‌الله صافی، تمام اجزای عالم امکان به سوی موجود اشرف در حال حرکت‌اند و به عبارت دیگر، علت غایی عالم امکان، وجود مخلوق اشرف است. اگر سیر جهان به کامل‌ترین مخلوق ختم نشود، از هدف والای خود محروم می‌شود و آن موجود حجت خداست که یا در مقام نبوت ظاهر می‌شود، یا در مقام امامت، جانشین پیغمبر خواهد بود. در نتیجه وجود معصومان علیهم‌السلام مقصد اصلی خلقت می‌باشند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱: ب: ص ۲۱).

آیت‌الله صافی با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم و با بیانی دیگر نیز به اثبات این موضوع می‌پردازد. از جمله این آیه: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶). وقتی آفرینش جن و انس برای عبادت باشد و عالی‌ترین مرتبه عبادت، یعنی جلوه کمال اعلای موجود ممکن، عبادتی باشد که از امام علیه‌السلام صادر می‌شود؛ بنابراین، امام، علت غایی خلقت خواهد بود. غرض از خلقت، تخلق به اخلاق الهی مانند علم و قدرت و ظهور قدرت ربوبی است و تحقق کمال این استعداد، در وجود امام و افعال و اخلاق اوست. بنابراین، باز امام مقصد اصلی خلقت است و خدا همه اشیا را برای بشر و بشر را برای انسان کامل، یعنی ولی امر هر عصری آفریده است. بر این اساس، ارتباط دیگران با امام، نظیر ارتباط شیء با علت غایی خود است. واضح است که علت غایی شیء از علت مادی و علت صوری آن برتر است؛ زیرا علت غایی مقصود ذاتی و اصلی است (همان، ص ۲۵).



## نتیجه‌گیری

در اندیشه آیت‌الله صافی، تمام امور جهان طبق قضا و قدر الهی پیش می‌رود و سیر تدریجی پدیده‌ها در گذر زمان به تحقق حکومت جهانی الهی بر زمین منجر خواهد شد. تنها خداوند یگانه، شایسته انتصاب امام معصوم بر تدبیر جهانی امور بشریت می‌باشد. خداوند مالک همه هستی است. بنابراین، حق تعیین حکیمانه ولی آخرالزمان نیز در دست اوست. اعطای ولایت تکوینی به امام عصر، ظهور ولایت مطلقه الهی و استمرار فعلی آن است. خداوند با قدرت بی‌نهایت خود قادر است مقدمات و اسباب ظهور امام عصر را فراهم کند. هدایت انسان‌ها مقتضی نصب امام آخرالزمان از جانب حق تعالی است؛ وگرنه مستلزم وجود نقصان در کمال الهی خواهد بود؛ همان‌طور که بنابر حکمت الهی، فرستادن پیامبران و نزول کتاب‌های آسمانی واجب است، نصب الهی امام نیز لازم است. نصب امام، در جهت ربوبیت تشریحی است. عدم نصب امام به عدم هدایت مردم و تعطیل نظام حق و عدالت منجر خواهد شد. نصب امام از جانب غیرخدا منافی توحید افعالی است. در حکومت ولی معصوم در آخرالزمان، نظام تکوین و تشریح به سوی هدف واحد حرکت می‌کند. انسان کامل، هدف اصلی جهان است و لذا امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که خود انسان کامل است، زمینه تکامل انسان‌ها را در زمان حکومتش فراهم می‌کند.





## منابع

### قرآن کریم

۱. الهی نژاد، حسین (۱۳۹۸). رویکرد شناختی پاسخ علمای اهل سنت به مخالفان مهدویت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۲. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۷ق). کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، محقق: حسن حسن زاده آملی، قم، اسلامی.
۳. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۷۷). گفتمان مهدویت، قم، مسجد مقدس جمکران.
۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). عقیده نجات بشریت، قم، مسجد مقدس جمکران.
۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). پیرامون معرفت امام، قم، مسجد مقدس جمکران.
۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱ الف). نظام امامت و رهبری، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱ ب). وابستگی جهان به امام زمان، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱ ج). انتظار عامل مقاومت، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱ د). به سوی دولت کریمه، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۱۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲ الف). ولایت تکوینی و ولایت تشریحی، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی.
۱۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲ ب). تجلی توحید در نظام امامت، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی.
۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳). اصالت مهدویت، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی.
۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۲ق). منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، قم، انتشارات مولف.
۱۵. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (بی تا). الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، قم، مكتبة المصطفوی.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۸). نهاية الحکمة، تصحیح و تعلیقة عباسعلی زارعی سبزواری، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۳). آموزش عقاید، تهران، چاپ و نشر بین الملل.
۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۰). آموزش فلسفه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.



۱۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲). حقوق و سیاست در قرآن، نگارش: محمد شهبازی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۸). معارف قرآن، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). نظریه حقوقی اسلام، محققان: محمد مهدی نادری قمی و محمد مهدی کریمی نیا، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.